

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انواع تعقیبات

تعقیبات نماز، هم تعقیباتی است که مأثور است؛ یعنی تعقیباتی است که از معصومین علیهم السلام روایت شده است و هم نیایش‌هایی است که نمازگزار بعد از نماز به زبان فارسی با خدا دارد؛ یا هرکس به زبان ملّیت و فرهنگ خودش، حرف‌هایی با خدا دارد و بعد از نماز با خدا گفتگو می‌کند؛ این هم تعقیبات نماز است. بنابراین تعقیبات نماز فقط دعاها، اذکار و اعمالی نیست که در روایات آمده است. فرد می‌تواند درحالی که پس از نماز نشسته است، با خدا گفتگو کند؛ قربان صدقه‌ی خدا برود؛ از خدا تشکر کند و با خدا راز دل بگوید. اینها هم تعقیبات نماز است.

تعقیباتی که مأثور است؛ یعنی از معصومین علیهم السلام روایت شده است، دو دسته‌اند. یک دسته تعقیبات مشترکه‌ی همه‌ی نمازها هستند؛ که می‌توان بعد از همه‌ی نمازهای پنجگانه آنها را انجام داد؛ بعد از نماز صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشاء، فرقی نمی‌کند. یک‌سری هم تعقیبات خاصّ هر نماز است؛ یعنی تعقیبات ویژه‌ی نماز صبح، تعقیبات خاصّ نماز ظهر و به همین ترتیب.

نمونه‌ی تعقیباتی که از معصومین علیهم السلام روایت شده است، در کتاب‌های دعا زیاد است؛ مانند کتاب مفاتیح‌الجنان. مفاتیح‌الجنان با تعقیبات نمازها آغاز می‌شود؛ یعنی اولین بخش کتاب تعقیبات نمازها است؛ البته بخش کوچکی از تعقیبات نمازها در مفاتیح آمده است. اگر شما به کتاب‌های وسیع‌تر، بزرگ‌تر و مشروح‌تر مراجعه کنید، می‌بینید چقدر روایت، دعا، ذکر، نماز به‌مثابه تعقیبات نمازها، چه تعقیبات مشترکه و چه تعقیبات خاصّه،

وارد شده است. طبیعتاً یک نمازگزار نمی‌تواند همه‌ی این تعقیبات را در آن واحد انجام دهد. هرکس باید مطابق با حال و روحیه‌ی خود، آنچه را مناسب حال اوست، برگزیند و در تعقیبات نمازها از آن استفاده کند.

نماز که تمام می‌شود، نمازگزار حالت خشوع، خضوع و دلهره‌ی خاصی دارد که نکند نماز من مردود شود؛ نماز من کجا و حق عبادت خدای متعال کجا؟! این نماز شکسته‌بسته‌ی من با عظمت مقام کبریای حضرت حقّ اصلاً تناسبی نداشت. لذا یک دلهره دارد که نمازش رد شود و از رحمت الهی محروم گردد. ضمن اینکه کنار آن یک حالت خوشحالی و تشکر هم از خدای متعال دارد که به او توفیق داد این نماز را بخواند، سلام دهد و به پایان برساند و امید هم دارد که با اظهار عجزی که پیش خدا می‌کند و عذرخواهی‌یی که از او می‌نماید که نتوانستم نماز شایسته‌ی شما را به‌جا بیاورم، خدای متعال همین نماز دست‌وپا شکسته‌ی او را با فضل و بزرگواری خود بپذیرد و مورد قبول قرار دهد. این حالت آخر نماز، یعنی هنگامی که نمازگزار سلام نماز را می‌دهد و نمازش را تمام می‌کند، در او وجود دارد. آنچه از نماز را که توانسته به‌شایستگی به‌جا بیاورد، مایه‌ی وجد، شعف، خوشحالی و تشکر اوست؛ البته به پای خود نمی‌نویسد که من توانستم! چون منی وجود ندارد. اگر توانسته چیزی را به‌شایستگی به‌جا بیاورد، توفیق و عنایت الهی بوده است؛ لذا احساس طلبکاری از خدا نمی‌کند که من این کار را برای شما کردم؛ چون می‌داند خدا نیازی به عبادت ما ندارد و اگر او را عبادت نکنیم، در کار خدا لنگی‌یی به وجود نمی‌آید. ما هستیم که نیازمند عبادتیم. بنابراین بر خدا منت نمی‌نهد و خود را طلبکار خدا نمی‌داند؛ بلکه اتفاقاً بدهکار می‌داند. خدایا! تو این توفیق را دادی که توانستم این قسمت

نماز را قشنگ به جا بیاورم؛ هم خوشحال است، هم احساس بدهی می کند و در مقام تشکر برمی آید. متقابلاً قسمت‌هایی را که احساس می کند حواسش پرت بود؛ با بی توجهی یا خیلی سرسری و به سرعت انجام داد و نتوانست حق آن را ادا کند؛ اینها مایه‌ی حسرت، تأسف، سرافکندگی و شرمساری او در پیش خداست. به این ترتیب نمازش را تمام کرده است و اکنون مشغول تعقیبات نماز می شود؛ با حالتی که امید از همه چیز و همه کس غیر خدا قطع کرده است؛ هم از خود و توانمندی‌هایش و هم از همه‌ی مخلوقات و ماسوی‌الله، به طور کامل قطع امید کرده است؛ حالت انقطاع مطلق به او دست داده است؛ امید، توجه و اتکایش یک‌سره به خدای متعال است و تنها چشم امید به خدای متعال دارد. در چنین حالتی با اخلاص تمام در درگاه الهی مشغول استغاثه و دعا می شود و آمرزش گناهان و پذیرفته شدن نمازش را از خدا می خواهد؛ چون یکی از مهم‌ترین مواضع استجاب دعا، تعقیبات نمازهاست؛ که در بحث دعا در تعقیبات به آن اشاره خواهیم کرد.

در بین تعقیبات نمازهای پنجگانه بر تعقیب نماز صبح و نماز عصر تأکید فوق‌العاده‌ای شده است. این را هم توضیح بدهیم. صبح چه زمانی است؟ وقتی است که فرد می خواهد وارد عرصه‌ی فعالیت‌های دنیوی شود؛ سراغ کسب و کار، حضور در جامعه و ارتباط با خلق برود و خطر اینکه این فعالیت‌های دنیوی، اشتغال به ارتباطات و مراودات با خلق سبب شود او خدا را فراموش کند و از خدا غافل شود، به شدت وجود دارد. چون این گونه است، باید بعد از نماز صبح خود تمهیدی بیندیشد، و درواقع زمینه‌هایی را فراهم کند که از این خطر مصون بماند؛ که حضورش در جامعه، مشغول شدن او به فعالیت‌های دنیوی و توجه‌اش به جنبه‌های عالم کثرت، او را از یاد خدا محروم نکند. چون دنیا ظلمتکده‌ای

است که فرد وارد آن می‌شود؛ بنابراین باید به خدا متوسّل شود؛ از خدا کمک بخواهد و بگوید خدایا! تنها تو می‌توانی مرا حفظ کنی که در کشاکش آمدوشدها، دادوستدها، گفت‌وگوها، مراوداتی که با خلق و اشتغالاتی که به جنبه‌های دنیوی دارم، از تو غافل نشوم. خدایا! خودت کمکم کن؛ خودت کاری کن که تو را فراموش نکنم. از طرفی چون خود را آبرومند نمی‌داند و می‌داند که نه از کارهای بد مصون بوده است و بسیار خطاکاری دارد و نتوانسته است حقّ کارهای خوب را به‌شایستگی ادا کند؛ لذا می‌داند که در دستگاه خدا آبرویی ندارد. به‌همین دلیل سراغ آبرومندان دستگاه خدا می‌رود؛ کسانی که صاحبان اصلی عالم و امانتداران آن از جانب خدا هستند.

هر روز از روزهای هفته متعلّق به یک، دو یا چند نفر از اهل بیت علیهم‌السلام است. روز شنبه، روز پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. روز یکشنبه، روز امیرالمؤمنین علیه‌السلام است و حضرت زهرا علیها‌السلام هم به ایشان ملحق می‌شوند. روز دوشنبه متعلّق به حسنین علیهم‌السلام است. روز سه‌شنبه متعلّق به امام سجّاد، امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام است. روز چهارشنبه متعلّق به امام کاظم، امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم‌السلام است. روز پنج‌شنبه متعلّق به امام عسکری علیه‌السلام و روز جمعه متعلّق به امام عصر ارواح‌نهاد است. نمازگزار در هر روز به صاحب آن روز متوسّل می‌شود؛ یعنی اگر روز شنبه است، به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم متوسّل می‌شود. اگر روز یکشنبه است، به امیرالمؤمنین علیه‌السلام متوسّل می‌شود. در هر روز به نگهبان و صاحب آن روز متوسّل می‌شود و آنها را در درگاه الهی شفیع قرار می‌دهد؛ که آنها شفاعت کنند و خدای متعال عنایت فرماید که او در طول فعالیت‌های روزمرّه‌اش از یاد خدا غافل نشود؛ در دام شیطان نیفتد و در غرقابه‌ی وحشتناک و منجلاب متلاطم دنیاطلبی‌ها، دنیاخواهی‌ها و توجّه‌به دنیا غرق

نشود؛ ولو به دنیا و امور دنیوی وارد می‌شود. در اسلام رهبانیت نداریم! «لا رَهْبَانِيَّةَ فِي الْاِسْلَامِ»^۱؛ لذا حق ندارد تارک دنیا شود؛ دیرنشینی و صومعه‌نشینی اختیار کند و خود را از فعالیت‌های شغلی، کارهای اقتصادی و فعالیت‌های اجتماعی کنار بکشد. باید وارد دنیا شود؛ اما باید مراقب هم باشد که آلودگی‌های این منجلاب او را نگیرد. به قول حافظ:

آشنایان ره عشق در این بحر عمیق غرقه گشتند و نگشتند به آب آلوده

در روایات داریم لقمان به پسر خود موعظه می‌کند: «إِنَّ الدُّنْيَا بَحْرٌ عَمِيقٌ» دنیا دریای عمیقی است. «قَدْ هَلَكَ فِيهَا عَالَمٌ كَثِيرٌ»^۲ جمعیت عظیمی در این دریای دنیا هلاک و غرق شدند. بنابراین به اهل بیت علیهم‌السلام عصمت و طهارت متوسل می‌شود؛ از صاحب آن روز می‌خواهد که نزد خدا شفیع شوند خدای متعال عنایت کند و او را از آلوده شدن به منجلاب دنیا، دنیابینی، دنیاخواهی، دنیاطلبی، دنیاگرایی و از فریب شیطان را خوردن و اسیر شیطان شدن، مصون بدارد؛ از خدا می‌خواهد که شرّ شیطان و شرّ نفس‌آماره را از او دور بدارد و این عبادات و اعمال ناقصی را که انجام داده است، از او بپذیرد. مثلاً نماز صبحش را که خوانده است، خدای متعال با بزرگی خود بپذیرد و به وساطت اهل بیت علیهم‌السلام این اعمال ناقص و دست‌پاشکسته‌ی او را از او قبول کند.

همان‌طور که پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام واسطه‌ی هدایت ما بودند، (چون این امت به برکت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام از ضلالت، جهل و گمراهی نجات پیدا کردند؛ به شفاعت و وساطت همان‌ها هم این امکان وجود دارد که اعمال کوچک و قصور و

^۱ ابن‌حیون، دعائم‌الاسلام، ج ۲، ص ۱۹۳ و محدث‌نوری، مستدرک‌الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۵ و فیض‌کاشانی، وافی، ج ۷، ص ۴۹۹.

^۲ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۶ و صدوق، من‌لایحضره‌الفقیه، ج ۲، ص ۲۸۲ و حرّعاملی، وسائل‌الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۰۷.

تقصیرهای ما در انجام وظایف بندگی مان هم ترمیم و تکمیل شود و عبادت‌های ناقص ما

در درگاه‌الهی مورد پذیرش قرار گیرد.

این نکته‌ی اوّل که کلیّات ورود ما به بحث تعقیبات بود.

از خدای متعال می‌خواهیم که روح نماز را در همه‌ی زندگی ما حاکم بفرماید؛ به برکت

صلوات بر محمّد و آل محمّد.

اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ